

سرگذشت زنی که کودکان ۴ و ۸ ساله اش را کشت!

■ زن سنگدلی که دو کودک ۴ و ۸ ساله اش را در یک اقدام جنون آمیز به قتل رساند، اما جرئت خودکشی پیدا نکرد، سپیده دم روز گذشته در زندان مرکزی مشهد قصاص شد و بدین ترتیب تراژدی «جنایت دردناک» در میان حلقه دار به پایان رسید.



ساعده ش چکیده بنسده در داخل اتاق کنار اجساد و پیامک‌های شبانه او را دید، هراسان و وحشت زده به طرف خیابان امام هادی (ع) حرکت کرد. او احتمال می داد، حادثه هولناکی رخ داده باشد. وقتی صبح روز بعد، وقتی خواهر راضیه بیدار شد

نوشت: «به پدر بگوئید جنازه‌های ما روی زمین نماندند، اما باز هم پاسخی نیامد و پیامی بین دو خواهر رد و بدل نشد.
زن جوان که دیگر قصد داشت تصمیم هولناکش را عملی کند، ابتدا بالای سر دختر ۸ ساله اش نشست که کنار کیف مدرسه اش به خواب رفته بود ازین بر رحم ناگهان راه تنفسی دخترک را مسدود کرد به طوری که دست و پا زدن‌های ممتد سانه او نمری نداشت و دقیقی بعد در حالی که چشم به مادر دوخته بود، جان خود را از دست داد و بی حرکت شد. این جنایت دردناک چنان بی سروصدا انجام شد که هنوز پسر ۴ ساله در کنار خواهرش با چهره‌ای مصومانه به آرامی نفس می کشید. زن سنگدل نگاهی به دستااش انداخت و این بار راه تنفسی علیرضا (کودک ۴ ساله) را بست، اما او نتوانست بیشتر دست و پا بزند و تنها با چشمانی نیمه باز نگاهی به مادرش انداخت و به آرامی جان داد. دیگر همه چیز به پایان رسید و تراژدی جنایت دردناک در انتهای کوچکی در خون منزلی نقلی رقم خورد.
زن ۳۳ ساله بعد از ارتکاب این جنایت، ادامه نقشه اش را به اجرا گذاشت. او که تلاش می کرد خود را از عذاب روحی آینده رها کند، درون حمام رفت و با تیغ دست چپ خودش را زخمی کرد تا خودکشی کند، اما جرئت نداشت رگ دستش را باز بزند، و همین دلیل به همان مقدار اندک خون که از

یک سال از طلاق گذشته بود که به خواستگاری مرد ۶۲ ساله‌ای پاسخ مثبت دادم تا ششاید سر پناهی داشته باشم. اما در حالی که پسرم «علیرضا» یک سال بعد از ازدواج به دنیا آمد باز هم روزگار روی خوش به من نشان نداد، زیرا همسر حاضر نبود از دخترم سرپرستی کند و این موضوع سر آغاز اختلافات خانوادگی بین ما شد. از طرف دیگر هم فرزندان همسرم موافق ازدواج مجدد او نبودند و به این اختلافات دامن می زدند تا این که مهریه ام را کف دستم گذاشت و مرا طلاق داد. من هم با آن پول خانه‌ای اجاره کردم، ولی درآمدی برای امرار معاش نداشتم. می خواستم با چرخ خیاطی کهنه ام کار کنم، اما باز هم کسی حاضر نبود سرمایه‌ای در اختیارم بگذارد تا این که تصمیم به قتل فرزندانم گرفتم...

گزارش ها حاکی است، با تکمیل تحقیقات در دادسرای مشهد، این پرونده در شعبه پنجم دادگاه کیفری یک خراسان رضوی به ریاست قاضی بنده‌ای و مستشاری قاضی شجاع پور فدکی مورد رسیدگی قرار گرفت و در نهایت قضات با تجربه دادگاه پس از برگزاری چندین جلسه محاکمه، رای به قصاص نفس زن ۳۳ ساله دادند و بدین ترتیب با فراهم شدن مقدمات اجرای حکم در دادسرای عمومی و انقلاب مشهد، این زن جوان که دیگر ۳۷ ساله بود با حضور قضات اجرای احکام در زندان مرکزی مشهد به دار مجازات آویخته شد.

کینه همسر از شوهر سارق را فاش کرد

از مهمانان در مخفیگاهشان بازداشت کردند. اما سه متهم دیگر برای خرید اسلحه به یکی از شهرستانهای غربی کشور رفته بودند که در بازگشت به تهران در عملیاتی ضربتی بازداشت شدند. در بازرسی از مخفیگاه مهمان دفترچه یادداشتی به دست آمد که مشخصات و محل هایی که آن‌ها قصد سرقت مسلحانه داشتند را به صورت کامل شرح داده بود.

فکتگو باسریسته باند
به چه جرمی زندان بوی؟
سرفت خانه ۵ سال از عمرم را به خاطر سرقت‌هایی به زندان افتادم که پول زیادی از آن‌ها عاید نشده بود. برای همین تصمیم گرفتم این بار سرقتی انجام دهم که پول خوبی داشته باشد.

کی این نقشه را طراحی کردی؟
در زندان با هم سلولی‌هایم که آن‌ها هم به خاطر سرقت به عنف به زندان افتاده بودند، نقشه این سرقت‌ها را طراحی کردیم.

سرفت از کجا؟
بانک‌ها، صرافی‌ها و مسرقت از خانه‌های اعیانی بالای شهر که اسم یک بازیگر و یک خواننده هم در میان اسامی مالکان این خانه‌های اعیانی بود. با هم سلولی‌های دیگرمان شرط بستیم که در مدت یک ماه می توانیم ۱۰ سرقت مسلحانه انجام دهیم.

با سه عضو دیگر جان چطور آشنا شدی؟
یکی از آن‌ها فامیل ششایان همدستم بود و دو نفر دیگر هم از دوستان شایان بودند.

در دفترچه یادداشت‌تان اسم یک بازیگر و یک خواننده معروف بود. بوم، آدرس خانه‌اش را مگر نداشتید؟
کلی پول به دست می آوردیم. دوست همسر یکی از متهمانی که در اندرزگاه ما بود، آدرس خانه این بازیگر و خواننده را داشت و ناخواسته آدرس را به ما داد.

لحظاتی بعد راضیه به زحمت خود را به در حیاط رساند و آن را کشت. خواهر او با دیدن لباس‌های خون خورن آلود ظاهر آشفته «راضیه» بی درنگ بسا او را زانس تماس گرفت و قدم در درون منزل نقلی اجاره‌ای گذاشت، اما تراژدی «جنایت دردناک» او را نیز در جا میخکوب کرد.

گزارش ما حاکی است: دقیقی بعد نبروهای نظامی، در حالی ماجرای این جنایت وحشتناک را به قاضی ویژه قتل عمد اطلاع دادند که امدادگران او را زانس مرگ دو کودک بی گناه را تایید کردند.

عقره‌های ساعت حدود ۸ صبح را نشان می داد که قاضی علی اکبر احمدی نژاد به همراه گروه زبده‌ای از کارآگاهان اداره جنایی پلیس آگاهی خراسان رضوی عازم محل وقوع جنایت شدند و بدین ترتیب تحقیقات قضایی در حالی آغاز شد که زن جوان با اشاره به دستااش گفت: آن‌ها را با دستاام خفه کردم! او در شرح سرگذشت خود که به این تراژدی وحشتناک رسید به قاضی ویژه قتل عمد گفت: بیشتر از یک سال از عمر دخترم «طاهره» گذشته بود که از همسرم طلاق گرفتم.

او سه ماه مخدر اعتیاد داشت و روزگارم را تلخ کرده بود. نمی توانستم این وضعیت را تحمل کنم! به همین دلیل حضانت دخترم را پذیرفتم تا روزگار خوبی را تجربه کنم، اما این ماجرا سر نوشت مرا در مسیر دیگری قرار داد چرا که بعد از طلاق مشکلاتم بسیار شد.

قصاص برای مردی که در زندان آدم کشت

زمان حمام رفتن شد. من به محض اینکه وارد حمام زندان شدم، او شروع به فحاشی کرد که من سکوت کردم، اما او دست بردار نبود. بعد به من حمله کرد و من با تیزی او را زدم. قضدی برای قتل نداشتم، اما او با حمله به من مجبورم کرد تا برای دفاع از خودم به او جاقو بزنم.

بعد از گفته‌های متهم کیفرخواست علیه او صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه ۴ دادگاه کیفری استان تهران فرستاده شد. خرداد سال جاری جلسه رسیدگی به این پرونده برگزار شد و از آنجایی که متهم به دلیل کرونا حاضر نشده بود در دادگاه شرکت کند، پرونده بدون حضور متهم مورد رسیدگی قرار گرفت. ابتدا نماینده دادستان کیفرخواست علیه متهم را خواند و سپس اولیای دم در جایگاه قرار گرفتند و خواستار صدور حکم قصاص شدند. در ادامه وکیل مدافع او در جایگاه قرار گرفت و گفت: موکلم مدعی است در دفاع از خودش مجبور به قتل شده است. آن طور که مدارک موجود در پرونده نشان می دهد در دور دوم درگیری مقتول به سمت موکل من حمله کرده و موکلم هم مجبور به دفاع از خودش شده است بنابراین به عنوان وکیل مدافع او درخواست صدور حکم برائت دارم.

بعد از گفته‌های طرفین پرونده، قضات برای صدور رأی وارد شور شدند و با توجه به اینکه متهم با جاقو به مقتول که چیزی در دست نداشته حمله کرده و او را زده بود ادعای دفاع مشروع او را قبول نکردند و حکم بر قصاص متهم صادر شد. رای صادره مورد اعتراض متهم وکیل مدافعش قرار گرفت و دیوان عالی کشور آن را مورد بررسی قرار داد، اما اعتراض مورد تأیید قرار نگرفت و رأی قصاص متهم تأیید شد.

فرار با خواستگار خیالی!

بخوانند، ولی در این میان، «تینا» بسیار باهوش تر مدعی است به خاطر دفاع از خودش در زندان تکب قتل شده در دیوان عالی کشور تأیید و پرونده او به اجرای احکام ارسال شد. رسیدگی به این پرونده از سال ۹۷ با همواره سعی می کردم حتی اسباب بازی و لوازم آموزشی یکسانی برای آن‌ها تهیه کنیم.

مقایسه هوش و استعداد تحصیلی آن‌ها با یکدیگر یک حس تبعیض و بدبینی را در ذهن منبا به وجود آورد و او را به دختری افسرده و گوشه گیر تبدیل کرد، ولی با آن که برخسی از نزدیکانم دچار بیماری‌های روانی بودند، من اهمیتی به این موضوع ندادم، زیرا هیچ گونه آگاهی درباره اختلالات روانی نداشتم. آرام آرام رفتارهای دختران دو قلویم بسیار متفاوت تر از یکدیگر شد و تینا هر روز بیشتر در تحصیل و زندگی اجتماعی پیشرفت می کرد تا جایی که اکنون دوره دکترا را می گذرانند، ولی مینا نتوانست دیپلم بگیرد و به دختری روان پریش تبدیل شد.

بارها او را نزد پزشکان متخصص بردم، ولی به خاطر هزینه‌های سنگین درمان نتوانستم معالجه او را ادامه بدهم. از سوی دیگر نیز دخترم حسادت عجیبی از همان دوران کودکی به خواهرش دارد و زمانی که قرص هایش را مصرف نمی کند با موجودات خیالی سخن می گوید و از خواستگاری واهی حرف می زند.

ک قصص ازدواج با او را دارد. در عالم توهم و به قصد ازدواج با آن خواستگار خیالی، فرار می کند و ما مدام در پی او هستیم تا خدای نکرده حادثه تلخی رخ ندهد. شایان ذکر است، اقدامات مشاوره‌ای و حمایتی از سوی پلیس در این باره آغاز شد.

در همین هنگام پدر میان سال دست نوازش بر سر دخترش کشید و در حالی که او را مورد تفتد پدران قرار می داد، به کارشناس اجتماعی کلاتری اش شکایت کرد. اما هنوز حرف هایش تمام نشده بود که پدر را پشت سر خود دید و عقده هایش را با نواختن یک سیلی به صورت پدر خالی کرد و به گریه هایش ادامه داد.

در همین هنگام پدر میان سال دست نوازش بر سر دخترش کشید و در حالی که او را مورد تفتد پدران قرار می داد، به کارشناس اجتماعی کلاتری اش شکایت کرد. اما هنوز حرف هایش تمام نشده بود که پدر را پشت سر خود دید و عقده هایش را با نواختن یک سیلی به صورت پدر خالی کرد و به گریه هایش ادامه داد.

در همین هنگام پدر میان سال دست نوازش بر سر دخترش کشید و در حالی که او را مورد تفتد پدران قرار می داد، به کارشناس اجتماعی کلاتری اش شکایت کرد. اما هنوز حرف هایش تمام نشده بود که پدر را پشت سر خود دید و عقده هایش را با نواختن یک سیلی به صورت پدر خالی کرد و به گریه هایش ادامه داد.

در همین هنگام پدر میان سال دست نوازش بر سر دخترش کشید و در حالی که او را مورد تفتد پدران قرار می داد، به کارشناس اجتماعی کلاتری اش شکایت کرد. اما هنوز حرف هایش تمام نشده بود که پدر را پشت سر خود دید و عقده هایش را با نواختن یک سیلی به صورت پدر خالی کرد و به گریه هایش ادامه داد.

در همین هنگام پدر میان سال دست نوازش بر سر دخترش کشید و در حالی که او را مورد تفتد پدران قرار می داد، به کارشناس اجتماعی کلاتری اش شکایت کرد. اما هنوز حرف هایش تمام نشده بود که پدر را پشت سر خود دید و عقده هایش را با نواختن یک سیلی به صورت پدر خالی کرد و به گریه هایش ادامه داد.

در همین هنگام پدر میان سال دست نوازش بر سر دخترش کشید و در حالی که او را مورد تفتد پدران قرار می داد، به کارشناس اجتماعی کلاتری اش شکایت کرد. اما هنوز حرف هایش تمام نشده بود که پدر را پشت سر خود دید و عقده هایش را با نواختن یک سیلی به صورت پدر خالی کرد و به گریه هایش ادامه داد.

در همین هنگام پدر میان سال دست نوازش بر سر دخترش کشید و در حالی که او را مورد تفتد پدران قرار می داد، به کارشناس اجتماعی کلاتری اش شکایت کرد. اما هنوز حرف هایش تمام نشده بود که پدر را پشت سر خود دید و عقده هایش را با نواختن یک سیلی به صورت پدر خالی کرد و به گریه هایش ادامه داد.

در همین هنگام پدر میان سال دست نوازش بر سر دخترش کشید و در حالی که او را مورد تفتد پدران قرار می داد، به کارشناس اجتماعی کلاتری اش شکایت کرد. اما هنوز حرف هایش تمام نشده بود که پدر را پشت سر خود دید و عقده هایش را با نواختن یک سیلی به صورت پدر خالی کرد و به گریه هایش ادامه داد.

نیمه شب بیست و چهارم بهمن سال ۹۵ هنگامی شکل فاجعه بار به خود گرفت که «راضیه» (زن ۳۳ ساله) هنوز با افکار شیطانی دست به گریبان بود. سرگذشت فشارها و آسیب‌های اجتماعی او را به سوی تصمیمی هولناک سوق داد. او بعد از جدایی از همسر دوش در تنگنای مشکلات اقتصادی و اجتماعی دست و پا می زد و نمی توانست دو فرزند خردسالش را به تنهایی سرسامان بدهد. به همین دلیل نقشه قتل دو کودک بی گناه را در حالی از ذهن گذراند که «طاهره» (دختر ۸ ساله) از مدرسه به خانه بازگشت و از بردارش مراقبت می کرد تا مادر اوگر خانه داری را به سرانجام برساند، ولی آن شب دو کودک خردسال زودتر از همیشه به خواب عمیقی فرو رفتند.

مادر سنگدل چشم به صورت معصوم فرزندان خودت و یک بار دیگر نقشه ترسناک خود را مرور کرد. عقره‌های ساعت از نیمه شب گذشته بود که زن جوان گوشه تلغن را برداشت و در پیامی برای خواهرش چنین نوشت: «من برای تو خواهر خوبی نبودم مرا ببخش...» او پیامک را برای خواهرش ارسال کرد، ولی پاسخی از سوی او دریافت نکرد.

«راضیه» نگاه دلهره آور دیگری به چهره کودکشش انداخت و در حالی که آن‌ها در خواب ناز بودند، دومین پیامک را برای خواهرش این گونه

آشفته و مضطرب وارد اتاق مسدودکاری اجتماعی کلاتری شغای مشهد شد تا از رفتارهای پدرش برای جلوگیری از ازدواج با پسر مورد علاقه اش شکایت کند. دختر جوان ناگهان سبیلی محکمی به صورت پدرش نواخت و فریاد زد: او نمی گذارد من از ازدواج کنم! پدرم خواهر دو قلویم را بیشتر دوست دارد و برای من چیزیه نمی خرد من پسر می هستم خودم را دوست دارم و تا با هم به کز جایی دور برویم و ازدواج کنیم، اما ...

این واکنشی از اظهارات دختر ۲۸ ساله‌ای است که با چهره‌ای آشفته و مضطرب وارد اتاق مددکاری اجتماعی کلاتری شغای مشهد شد تا از رفتارهای پدرش برای جلوگیری از ازدواج با پسر مورد علاقه اش شکایت کند. اما هنوز حرف هایش تمام نشده بود که پدر را پشت سر خود دید و عقده هایش را با نواختن یک سیلی به صورت پدر خالی کرد و به گریه هایش ادامه داد.

در همین هنگام پدر میان سال دست نوازش بر سر دخترش کشید و در حالی که او را مورد تفتد پدران قرار می داد، به کارشناس اجتماعی کلاتری اش شکایت کرد. اما هنوز حرف هایش تمام نشده بود که پدر را پشت سر خود دید و عقده هایش را با نواختن یک سیلی به صورت پدر خالی کرد و به گریه هایش ادامه داد.

در همین هنگام پدر میان سال دست نوازش بر سر دخترش کشید و در حالی که او را مورد تفتد پدران قرار می داد، به کارشناس اجتماعی کلاتری اش شکایت کرد. اما هنوز حرف هایش تمام نشده بود که پدر را پشت سر خود دید و عقده هایش را با نواختن یک سیلی به صورت پدر خالی کرد و به گریه هایش ادامه داد.

در همین هنگام پدر میان سال دست نوازش بر سر دخترش کشید و در حالی که او را مورد تفتد پدران قرار می داد، به کارشناس اجتماعی کلاتری اش شکایت کرد. اما هنوز حرف هایش تمام نشده بود که پدر را پشت سر خود دید و عقده هایش را با نواختن یک سیلی به صورت پدر خالی کرد و به گریه هایش ادامه داد.

نیاز مندیهای روزانه جزیره کیش

استخدام

استخدام منشی
منشی جهت کار در دفتر املاک مورد نیاز است
شماره تماس: ۰۹۱۲۰۴۷۸۴۳۳

یک شرکت معتبر بازرگانی به ۲ نفر فروشنده آقا و خانم حرفه ای با تجربه و روابط عمومی بالا جهت تکمیل کادر فروش خود در فرودگاه کیش نیازمند است
مزایا: حقوق + پورسانت + بیمه + ایاب ذهاب + حق مسکن
تلفن: ۰۲۱۸۸۰۴۴۹۰۰
admin@irest.ir

جهت کار در فروشگاه سبزیجات آماده طبخ به کارگر ساده خانم یا آقا نیازمندیم
ساعت تماس: ۶ بعداز ظهر به بعد

نیاز مندیهای اقتصاد کیش
۴۴۴۲۴۹۹۹
۴۴۴۲۰۲۸۶

استخدام خدمات مفقودی خرید و فروش و ...

خدمات

فود فور کیش
سامانه آنلاین سفارش غذا
از رستورانهای جزیره کیش
وب سایت و اپلیکیشن
www.F4k.ir

سوپرمیوه سونیا
گوجه فرنگی ۳۵۰۰ ت
هندوانه ۲۳۰۰ ت
موز ۱۷۰۰۰ ت
پیاز، سیب زمینی ۴۰۰۰ ت
میوه های تازه و ارزان
فاز F، خدماتی جنب عکاسی رخساره ۰۹۳۵۸۷۵۹۴۸۰ واتساب

نیاز مندیهای اقتصاد کیش
تلفنی آگهی می پذیرد
۴۴۴۲۴۹۹۹
۴۴۴۲۰۲۸۶

شماره تماس: ۰۹۳۴۷۶۹۷۳۵۷
شرکت شاندیز کیش

مارینا پارک هتل جهت تکمیل کادر پرسنلی خود از نیروهای ذیل دعوت به کار می نماید.
پذیرشگر (خانم، آقا) - ظرفشور (آقا)
راننده (آقا) با گواهینامه - خانه‌دار (آقا)
- سوپروایزر خانهداری (خانم)
تلفن: ۰۷۶ / ۶ / ۴۴۴۶۵۰۰۰
مراجعه حضوری: مارینا پارک هتل

به چند نفر منشی خانم، مسلط به آفیس و تایپ جهت فایل یابی و امور دفتری جهت کار در دفتر املاک.
ساعات کار: از ۹/۳۰ تا ۱۳/۳۰ و ۱۸ تا ۲۲
حقوق و مزایا: توافقی
روزهای جمعه و تعطیلات رسمی تعطیل می باشد.
ساعت تماس: ۱۰ تا ۱۳/۳۰ ۰۹۳۶۱۲۴۰۲۲۸
مراجعه حضوری از ساعت ۹/۳۰ تا ۱۳/۳۰
به: روبروی هایپرمارکت املاک دانیال
مراجعه شود

کارمند اداری خانم
آشنا به کامپیوتر جهت کار در یک شرکت مورد نیاز است
متقاضیان به نشانی ویلاهای مروارید روبروی هایپرمارکت بالای بانک سینا واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند
ساعت کار: شیفت صبح (۸ تا ۳ بعداز ظهر)
شیفت بعداز ظهر (۲ تا ۹ شب)
دو شیفت مجزا

اماکن قرنطینه ای، منازل مسکونی تجاری، اداری، پروژه هاو ...
با مه پاش های سرد - فوری

ضد عفونی